



نظریه اخلاق رواقی؛ هماهنگی با طبیعت لازمه زندگی خوب

از نظر رواقیان و با توجه به اصول و مبانی اندیشه اخلاقی آنها، زندگی فردی هنگامی خوب است که با طبیعت هماهنگ باشد. رواقی یا Stoicism مذهبی فلسفی است...

سیری در مکاتب اخلاقی غرب/

نظریه اخلاق رواقی؛ هماهنگی با طبیعت لازمه زندگی خوب

خبرگزاری مهر- از نظر رواقیان و با توجه به اصول و مبانی اندیشه اخلاقی آنها، زندگی فردی هنگامی خوب است که با طبیعت هماهنگ باشد. رواقی یا Stoicism مذهبی فلسفی است که بوسیله زنون کیتسیونی تاسیس شد. نام این فلسفه در زبان‌های اروپایی و نیز عنوان رواقی برای آن بدین مناسبت است که حوزه ایشان در یکی از رواق‌های آتن منعقد می‌شد.

مذهب رواقی در قرن دوم میلادی در روم نفوذ یافت و حکمایی مانند سنکا، اپیکتتوس و مارکوس آورلیوس به آن گرویدند. پیروان این فلسفه رواقیون یا رواقیان خوانده می‌شوند. زنون فلسفه را منقسم به طبیعیات، منطق و اخلاق می‌دانست. منطق وی مبتنی بر اُرغنون ارسطو بود، اما می‌گفت که هر معرفتی بآمال به ادراکات حواس باز می‌گردد.

مکتب رواقی را می‌توان یکی از مؤثرترین و با نفوذترین مکاتب اخلاقی یونان باستان به حساب آورد. این مکتب پس از سقوط اسکندر مقدونی از یونان نیز فراتر رفته و به طور کلی، تا پیش از ظهور مسیحیت، بر تفکرات رومیان تسلط یافت.

اخلاق و علم اخلاق، در مقایسه با سایر علوم، جایگاه بسیار بالایی برای رواقیان داشته است. زنون، بنیان‌گذار این مکتب، می‌گفت «؛فلسفه همچون باغی است که در آن منطق دیوار است و طبیعیات درختان و اخلاق میوه؛ یا مانند تخم مرغی است که در آن منطق پوست و طبیعیات سفیده و اخلاق زرده است.«؛

البته مکتب رواقی یک مکتب اخلاقی صرف نبود؛ بلکه این مکتب یک جهان بینی جامع و شاملی بود که تا مدت‌های مدیدی توانست بر تفکر فلسفی، دینی و اخلاقی مغرب زمین حاکم باشد.

در اخلاق رواقیان فضیلت را مقصود بالذات می‌دانستند و معتقد بودند که زندگی باید سازگار با طبیعت و قوانین آن باشد و می‌گفتند آزادی واقعی وقتی حاصل می‌شود که انسان شهوات و افکار ناحق را به یکسو نهد و در وارستگی و آزادگی اهتمام ورزد. رواقیان به سبب پیروی از این اصول نزد عامه مردم به لاقیدی معروف بودند.

فلسفه اخلاقی رواقی تأثیرگذارترین جریان اخلاقی-فلسفی در طول تاریخ است، که پانصد سال به درازا انجامید و از دوره فروپاشی امپراتوری اسکندر کبیر ۳۰۰ سال قبل از میلاد مسیح، تا ۲۰۰ سال بعد از میلاد مسیح ادامه داشت.

نظریه اخلاقی رواقیان را می‌توان در این جمله بیان کرد که «؛یاد بگیر که نسبت به تأثیرات خارجی سهل گیر و بی اعتنا باشی.«؛ رواقیان بر این باورند که معیار خوب و بد «؛آرامش روحی«؛ و «؛آسودگی خاطر«؛ است و این یکی از وجوه اشتراک آنان با مکتب کلبی و همچنین با برخی از ادیان شرقی است.

رواقیان معتقدند که هر چند طبیعت و حوادث طبیعی فی نفسه خیرند، اما دل بستن به آنها موجب ناراحتی و اضطراب خاطر آدمی خواهد شد. زیرا زمانی که انسان به چیزی دل بست و آن را به درون خود راه داد، دیگر از آن حالت بیرونی خارج شده و به درون آدمی راه یافته است و طبیعتاً هرگونه تغییر و تحولی در آن موجب تشویش خاطر او خواهد شد.

البته این به معنای آن نیست که زندگی به روش کلبیون را در پیش گیریم، نه تنها انسان می‌تواند در اجتماع زندگی کند و با طبیعت سر و کار داشته باشد، بلکه باید چنین ارتباطی با طبیعت و اجتماع داشته باشد، آنچه که مهم است این است که انسان باید در جریان حوادث جهان بی طرف بوده و سخت گیر نباشد.

بر اساس دیدگاه رواقیان انسان باید تا جایی که امکان دارد از نعمت‌های طبیعی کمال استفاده را داشته باشد. آنچه که مهم است این است که به طبیعت و نعمت‌های طبیعی تعلق درونی و وابستگی خاطر نداشته باشد.

از نظر رواقیان و با توجه به اصول و مبانی اندیشه اخلاقی آنها، زندگی فردی هنگامی خوب است که با طبیعت هماهنگ باشد. از یک

جهت، همه زندگی ها با طبیعت هماهنگند؛ زیرا که هر زندگی بدان سان است که طبیعت مقرر داشته است.

اما از این جهت دیگر، زندگی فقط در صورتی با طبیعت هماهنگ است که اراده فردی متوجه غایت هایی باشد که از جمله غایت های طبیعت باشد. فضیلت عبارت است از اراده ای که موافق طبیعت باشد. مردم خبیث، هر چند جبراً از قانون خدا پیروی می کنند، به حکم اجبار و اضطرار چنین می کنند و نه بر اساس تبعیت از اراده خود.